

گله‌های یک معلم

تقدیم به معلمان فداکار کشورم

نوشته:

سید عبدالمجید حیرت‌سجادی

سروششناسه	:	حیرت سجادی، سید عبدالمجید، ۱۳۰۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	گله‌های یک معلم / نوشته سید عبدالمجید حیرت سجادی.
مشخصات نشر	:	زاهدان: ندوی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۲۴۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۹۶۲۶۲-۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	حیرت سجادی، سید عبدالمجید، ۱۳۰۹ - - - خاطرات
موضوع	:	معلمان - - ایران - خاطرات
موضوع	:	Teachers -- Iran -- Diaries
رده بندی کتبی	:	۴/۲۸۳۲LB الف/۱۳۹۶۹ ح
رده بندی دیویدی	:	۳۷۱/۱۰۰۹۵۵
شماره کتابشناسی	:	۴۶۹۳۶۷۴



انتشارات علامه ندوی «حمه الله»

زاهدان خیابان خیام - مجتمع فرهنگ یک - انتشارات ندوی
تلفن: ۰۵۴-۳۳۴۲۶۷۸۵

گله‌های یک معلم

نویسنده: سید عبدالمجید حیرت سجادی

ویراست: دوم

چاپ: اول ۱۳۹۸

ناشر: ندوی

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۲۶۲-۷-۷ *** ISBN: ۹۷۸۹۶۴۹۶۲۶۲۷۷

فروشگاه اینترنتی کتاب: nashrenadwi.ir

ایمیل: nadwipub@gmail.com

فهرست مطالب

زنان برتر	۱۰۳	سبب تصنیف کتاب	۷
اندرز مادران برتر	۱۰۹	قلم‌نی	۹
پیشنهادی به دوست گلمند	۱۱۱	حفظ کردن دیوان خواجه حافظ	۱۷
آقای مطالعه	۱۱۳	از قم به تهران	۱۹
دو خاطره	۱۱۵	اجازة ازدواج از رسول خدا ﷺ	۲۵
قضاوت مردم نسبت به معلمان	۱۲۱	عروس و مادر شوهر	۲۷
اشتباه بزرگ دبیر ریاضی	۱۲۹	آتش دوزخ	۲۹
یادی از دبیر گران‌قدر شیمی	۱۳۵	ابتکار و انتساب همسر	۳۱
روزهایی چند از دوران دبستان	۱۴۱	پرحرفی من	۳۳
کوه آتش‌فشان دماوند	۱۴۹	معایب مهم معلم	۳۹
محاصره در حلقه اشرا	۱۵۱	و تأثیر بعضی علل بر من	۳۹
زکریای نبی	۱۵۵	حافظ و شاعران مدح‌سرا	۴۱
دلسوزی یکی از اقوام	۱۶۱	قضاوت دانش‌آموزان	۴۳
مرد بالای درخت	۱۶۳	گلایه یک همکار	۴۵
راهنمایی دانش‌آموزان	۱۷۷	برخورد معلم با دانش‌آموز خود	۴۷
گره بینوا	۱۸۳	عشق‌ننگین دانش‌آموز	۵۱
مقام گریه و سگ، در میان خارجیان	۱۹۵	اثر معجزه‌آسای دعا	۵۷
در آئینس هواپیمایی	۱۹۹	دانش‌آموزان ناآرام	۵۹
پد، ماء، ماء، ها	۲۰۵	خاطره‌ای از زمان کودکی	۶۱
این آقا که بود	۲۱۳	قضاوت نابجای برخی از معلمان	۶۵
اضافاتی بر کتاب «گله‌های یک معلم»	۲۲۱	مادر از دست داده‌ها	۶۷
افسر عالی‌رتبه بریتانیایی، کبیر	۲۲۵	تفاوت شخصیت معلم با دیگران	۷۳
درد تحمیق آدم، گاه و بگاه	۲۲۷	مَنّت نهادن	۷۷
داستان آسفبار زیر دسری است به همکاران		درددل یک دوست	۹۱
محترم جوانم	۲۲۹	اندرز برخی از مادران	۹۹
تدبیر معلم	۲۳۵		

سبب تصنیف کتاب

سال‌ها بود برخی از دوستان دانشمند که با سبک نگارشم آشنا بودند، از من می‌خواستند حاصل تجربه‌های خود و مسائل و مشکلات اجتماع، به‌ویژه قشر معلم را با زبانی ساده به‌رشته تدریس درآورم و سهل‌انگاری و مضایقه مرا در این باره حمل بر خیانت من نسبت به اجتماع می‌کردند.

به علت اشتغال به تحصیل و تحقیقات علمی گسترده، به‌ویژه نگارش رسالهٔ دکتری که مستلزم یادداشت مطالب شبانه‌روزی بود، اجابت درخواست دوستان مدت‌ها به تأخیر افتاد.

روزی در اتاق مطالعه‌ام از سر تقه و رفع خستگی، مشغول مشق کردن بودم. یعنی سیمای سفید و نورانی کاغذ را با برش کلماتی مانند چهره خود سیاه می‌کردم که دختر ده ساله‌ام وارد شد و موضوع انشائی را که معلم به وی داده بود، به من نشان داد و از من خواست برایش توضیحی بدهم. «قلم» موضوع انشائی را که در دست داشتم به وی نشان دادم و گفتم: «بیا و درباره گذشته این قلم و حواشی که بر او وارد شده است، بیندیش و سپس جریان زندگی او را از روز تولدش تاکنون که کمال است بنویس.»

نشست و اندیشید. اندیشه او ثمری نداشت و راه به جایی نبرد. برای توضیحاتی دادم و روانه اش کردم. چون تنها شدم، خود را در قالب کودک ده ساله ای برآوردم و با زبانی ساده، سرگذشت نامه ای را که در ادامه مطالعه می فرمایید، نوشتم.